

مقاله‌ی پژوهشی

خودتنظیمی به عنوان میانجی بین ابعاد والدینی غیر حمایتی و پرخاشگری نوجوانان: روش مدل‌یابی معادله‌ی ساختاری (SEM)

خلاصه

مقدمه: امروزه پرخاشگری نوجوانان به یکی از مهم‌ترین مسایل اجتماعی تبدیل شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیر حمایتی (طرد، تهدید و سهل‌گیری)، خودتنظیمی و پرخاشگری نوجوانان با استفاده از روش مدل‌یابی ساختاری است.

روش کار: روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. به این منظور، ۱۹۲ دانش‌آموز (۹۶ دختر، ۹۶ پسر) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های فرزندپروری، خودتنظیمی و مقیاس رفتار اجتماعی را تکمیل کردند. برای ارزیابی مدل پیشنهادی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) و بر اساس نرم‌افزار Amos ویرایش ۱۶ استفاده شد.

یافته‌ها: بین پرخاشگری دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P > 0.05$). هم‌چنین نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش قابل قبولی برخوردار است. دو بعد والدینی غیر حمایتی (طرد و سهل‌گیری) و خودتنظیمی به عنوان متغیرهای پیش‌بین معنی‌داری برای پرخاشگری نوجوانان محسوب می‌شود. خودتنظیمی نوجوان تا حدی اثرات ابعاد والدینی غیر حمایتی را بر پرخاشگری آنان میانجی‌گری می‌کند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل نشان داد که همسو با مدل مفهومی، ابعاد والدینی غیر حمایتی به طور مستقیم و غیرمستقیم (خودتنظیمی) با پرخاشگری نوجوانان رابطه دارد.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری، خودتنظیمی، نوجوان، والدینی

شهرام واحدی

استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز

*مؤلف مسئول:

ایران، تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده‌ی علوم تربیتی و

روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی

تلفن: ۰۴۱۱۳۳۹۲۰۹۰

vahedi117@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۵/۱۶

تاریخ تایید: ۱۳۸۹/۱۰/۲۲

بی‌نوشت:

این مطالعه پس از تایید کمیته‌ی پژوهشی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی و با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تبریز انجام شده و با منافع نویسنده ارتباطی نداشته است. از آقایان دکتر محمدعلی نظری و دکتر اسکندر فتحی آذر به خاطر کمک‌های علمی و از تمام دانش‌آموزان شرکت‌کننده سپاسگزاری می‌شود.

Original Article

Self-regulation as a mediator of the relation between dimensions of non-supportive parenting style and aggression of adolescents: A Structural equation modeling method

Abstract

Introduction: Nowadays, the most important social problem among adolescents is aggression. Purpose of this study was to investigate the relationship between dimensions of non-supportive parenting style, self-regulation and aggression using structural equation modeling method.

Materials and Methods: In a descriptive correlational study, 192 high school students were selected by cluster multistage sampling method. All participants were asked to complete Parent Report Measure of Parenting, Self-Regulatory Inventory and Children's Social Behavior Scale-self report. Structural equation modeling (SEM) was performed by using Amos-16 to examine the research model.

Results: The results indicate there is no significant difference between males and females in terms of aggression ($P>0.05$). In addition, the findings revealed overall model fit, with both dimensions of non-supportive parenting style (rejection and chaos) and self-regulation as significant predictors of aggression. Self-regulation partially mediated the effects of non-supportive parenting style on aggression among adolescent.

Conclusion: Consistent with our conceptual model, the results reveal that there were direct and indirect (via self-regulation) relationships between non-supportive parenting style and aggressive behavior in adolescents.

Keywords: Adolescent, Aggression, Parenting, Self-regulation

Shahram Vahedi

Assistant professor of educational psychology, Tabriz University

*Corresponding Author:

Department of psychology,
Faculty of psychology and
educational sciences, Tabriz
University, Tabriz, Iran
Tel: +984113392090
vahedi117@yahoo.com
Received: Aug. 07, 2010
Accepted: Jan. 12, 2011

Acknowledgement:

This study was reviewed and approved by the research committee of faculty of psychology and financially supported by vice chancellor of Tabriz University. The author had no conflict of interest with the results.

Vancouver referencing:

Vahedi Sh. Self-regulation as a mediator of the relation between dimensions of nonsupportive parenting style and aggression of adolescents. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2011; 13(1): 6-19.

مقدمه

یکی از شایع‌ترین مشکلات بهداشت روانی نوجوانان، پرخاشگری و سوء مصرف مواد است (۱). معلمان مقدار قابل توجهی از وقت و انرژی خود را صرف میانجی‌گری بین نزاع‌های دانش‌آموزان می‌کنند (۲). اغلب تعارض‌های دانش‌آموزان به رفتارهای پرخاشگرانه و عنادورزی نسبت به بزرگسالان و همسالان منتهی می‌شود. چنین رفتارهایی، محیط یادگیری را مختل نموده و در آینده منجر به اختلالات رفتاری، سوء مصرف مواد و افت تحصیلی می‌شود (۳).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رفتار پرخاشگرانه دوران کودکی و نوجوانی می‌تواند بزهکاری، سوء مصرف مواد، افسردگی و افت تحصیلی را در آینده پیش‌بینی نماید (۴). هم‌چنین برآوردها نشان می‌دهد که ۳۰ درصد کودکان و نوجوانان به طور دایم و ۳۵ درصد هر از گاهی درگیر مسایل و رفتارهای پرخطر هستند (۵). کودکان پرخاشگر به نشانه‌های اجتماعی مربوط حساس نیستند و در موقعیت‌های مبهم قصد خصمانه دارند. آن‌ها در قیاس با همسالان غیرپرخاشگر واکنش‌های ناشایسته‌تر و پرخاشگرانه‌تری نسبت به مسایل اجتماعی نشان می‌دهند و راه‌حل‌های پرخاشگرانه‌تری برای کسب پیامدهای مثبت اختیار می‌کنند (۶).

لیتل^۱ و همکاران، چهارچوب مفیدی از انواع واکنش‌های پرخاشگری را پیشنهاد نموده‌اند. پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای بیانگر دو نوع پرخاشگری است. این دو نوع پرخاشگری در روش صدمه رساندن متفاوتند. پرخاشگری آشکار، فیزیکی بوده و دربرگیرنده رفتارهای خصمانه همراه با زدن، هل دادن، پرتاب اشیاء و یا به شکل کلامی و خصمانه نظیر ناسزاگویی، تهدید کلامی و داد و فریاد است که به طور مستقیم موجب آزار دیگران می‌شود. پرخاشگری رابطه‌ای به روابط اجتماعی معطوف می‌باشد. به عبارتی، پرخاشگری رابطه‌ای را به شکل دستکاری روابط اجتماعی، رقابت بین افراد، طرد و منزوی کردن دیگران تعریف کردند که در نهایت موجب آزار و صدمه به دیگران می‌شود (۷). این تعریف به طور وسیع هم شامل رفتار پرخاشگری رابطه‌ای مستقیم (به دوستش می‌گوید

او را به مهمانی دعوت نکنید) و هم پرخاشگری رابطه‌ای غیرمستقیم (بی‌اعتنایی دوستان) است (۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تجربه و یا استفاده از پرخاشگری رابطه‌ای، برای عملکرد اجتماعی فرد (طرد همسالان، انزوای اجتماعی و تنهایی) پیامدهای تعیین‌کننده‌ای به دنبال دارد (۹). عدم مهار رفتار پرخاشگرانه‌ی فیزیکی و رابطه‌ای نه تنها باعث ایجاد مشکلات بین فردی و جرم، بزهکاری و تجاوز به حقوق دیگران، کودک آزاری و کشمکش بین گروهی می‌شود، بلکه می‌تواند در درون فرد متمرکز شده و سبب بروز انواع مشکلات جسمی و روانی مثل زخم معده، سردردهای میگرنی و افسردگی گردد (۱۰). دانشمندان علوم رفتاری برای بررسی ریشه‌های پرخاشگری و خشونت، پاسخ‌های متعددی را مطرح نموده‌اند که ناکامی در برابر رفتار هدفمند، انگیزش ذاتی پرخاشگری، خودبینی تهدید شده^۲، تعارض‌های اجتماعی، نیاز به نفوذ در دیگران، انحصاری‌گری جنسی^۳، ملیت‌گرایی، لذت سادیستی و آزارگریانه در تحمل درد، تمایلات خودخواهانه برای منافع شخصی، فقر اقتصادی، حالات هیجانی منفی و اختلالات منشی^۴ از آن جمله‌اند.

این نوع تبیین‌ها برای بشر، مایوس‌کننده به نظر می‌آید اما رویکردهای اخیر روان‌شناختی (مثل بارون) دیدگاه‌های خوشبینانه‌تری نسبت به پدیده‌ی پرخاشگری اختیار کرده‌اند. تحقیقات مبتنی بر این نوع دیدگاه نشان می‌دهند که بعضی از پاسخ‌های درونی، می‌توانند احساسات و رفتارهای پرخاشگرانه را کاهش دهند. پیروان این رویکرد بر این باورند که افراد در زندگی طبیعی، می‌توانند تکانه‌های پرخاشگرانه‌ی خود را در مدت زمان کوتاه کنترل نمایند (۱۱). نتایج مطالعات متعدد در طی ۲۰ سال گذشته نشان داده‌اند که کیفیت رابطه بین نوجوان و والدین در رشد و یا پیشگیری از رفتارهای پرمخاطره (رفتارهای خشونت‌زا) تاثیر معنی‌داری دارد (۱۲). پژوهشگران در بررسی شیوه‌های فرزندپروری، الگوهای تربیتی متفاوتی ارایه کرده‌اند. به دنبال ریخت‌شناسی بامریند^۵ و سایرین از

²Threatened Egotism

³Sexual Possessiveness

⁴Character Disorders

⁵Baumrind

¹Little

زندگی ارتباط دارد (۱۳). افزون بر این، نتایج تحقیق نلسون و کریک^۵ آشکار نمود که کنترل روان‌شناختی والدین رابطه‌ی معنی‌داری با پرخاشگری رابطه‌ی میان دختران امریکایی اروپایی کلاس سوم دارد (۱۶).

نلسون و همکاران در مطالعه بر روی یک نمونه از کودکان چینی به این نتیجه رسیدند که بین سطوح ترکیبی کنترل روان‌شناختی والدین و پرخاشگری رابطه‌ی دختران و پسران رابطه‌ی مثبتی وجود دارد (۱۷). یانگ^۶ و همکاران دریافتند که کنترل روان‌شناختی پدر و مادر هر دو پیش‌بینی‌کننده‌ی پرخاشگری رابطه‌ی در بین کودکان پیش‌دستانی چینی است، هرچند که کنترل روان‌شناختی مادران فقط پرخاشگری رابطه‌ی را در بین دختران پیش‌بینی می‌کند (۱۸). در مطالعه‌ی بر روی نوجوانان امریکایی اروپایی، رابطه‌ی بین کنترل روان‌شناختی مادران و پرخاشگری رابطه‌ی مثبت گزارش شد اما کنترل روان‌شناختی پدرانه بررسی نگردید (۱۳). علاوه بر سبک‌های والدینی، یکی از عوامل حمایتی مهم که در جلوگیری از رفتارهای خطرآفرین نوجوانان کمک می‌کند، عامل خودتنظیمی است (۱۹). خودتنظیمی مستلزم کنترل کوشش‌های آگاهانه و توانایی عمل طبق طرح خودهدایت‌شده به دور از هرگونه پاداش و حمایت درونی است (۲۰). این خودهدایت‌گری برای بازشناسی، بازبینی و تغییر رفتارها به ازای تغییر شرایط محیطی ضروری است. فرآیندهای خودتنظیمی مثبت، ریشه در احساس کنترل و توانایی تغییر پیامدها دارد. خودتنظیمی و خودکنترلی یک نیروی درونی مهم است که افراد را قادر می‌سازد در مقابل وسوسه‌های پرخاشگری مقاومت نشان دهند. در واقع خودتنظیمی هیجانی^۷ به عنوان یک عامل مستقل بر رفتارهای پرخاشگرانه‌ی افراد موثر است. بنابراین خودتنظیمی برای کنترل رفتار، هیجانات و افکار و توانایی بازدارای اعمال شخص ضروری است. به عبارتی، سازه‌ی خود تنظیمی هیجانی یکی از مهم‌ترین توانایی‌های کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود که در تحول و تنظیم هیجانات و رفتار آنان نقش مهمی را ایفا می‌کند.

شیوه‌های فرزندپروری تحقیقات سودمندی به دست آمده است. بسیار حایز اهمیت است که تاثیر هر یک از مولفه‌های شیوه‌های فرزندپروری بر رفتار پرخاشگرانه مطالعه شود. در یک مطالعه ذکر گردیده که بعد از مطالعه‌ی استینبرگ^۱ و همکاران در مورد سهم مستقل هر مولفه‌ی شیوه‌های فرزند پروری بر رشد کودکان، بینش‌های تازه‌ای در مورد ابعاد کنترل والدینی (روان‌شناختی و رفتاری) ایجاد شده است (۱۳). برای مثال، کنترل رفتاری (بعد ساختار سبک والدینی) برعکس کنترل روان‌شناختی^۲ (ایجاد احساس گناه و شرمساری، محروم‌سازی از عشق و ...) بر رشد و تحول کودک تاثیر مثبتی دارد (۱۴). هنگامی که تحقیقات در مورد مشکلات برونی روی متغیرهای محدود والدینی به جای ریخت‌شناسی متمرکز می‌شود، فقدان کنترل رفتاری و صمیمیت (دو مولفه‌ی والدینی مقتدرانه) به عنوان عوامل خطرزای مهم تجلی می‌یابند. مطالعات حاکی از آن است که کنترل روان‌شناختی (بعد تهدید و اجبار سبک والدینی) با مشکلات برونی نیز ارتباط دارد. برای مثال فراتحلیل انجام یافته حکایت از آن دارد که کنترل اجباری^۳ و انطباق پایین^۴ (مانند کنترل روان‌شناختی) در مشکلات درونی کودکان نقش موثری دارند (۱۳). تعدادی دیگری از مطالعات، رابطه‌ی کنترل روان‌شناختی را با مشکلات برونی نوجوانان بررسی کردند (۱۵).

این‌ها به این نتیجه رسیدند که بین کنترل روان‌شناختی مادران و گرایش‌های بزهکارانه (سوء مصرف مواد و رفتارهای ضد اجتماعی) و پرخاشگری فیزیکی آشکار نوجوانان، رابطه‌ی مثبتی وجود دارد. این نتایج از مطالعاتی به دست آمده است که بیشتر بر حمایت خودمختاری فرزندان متمرکز بودند تا بر کنترل روان‌شناختی آنان. بر اساس نظریه‌ی خودتعیین‌گری، خودمختاری به اراده یا تایید کامل اعمال شخص اطلاق می‌شود که به عنوان نیاز اساسی روان‌شناختی در نظر گرفته شده است. بنابراین خودمختاری از مفهوم استقلال متمایز است و ارضای این نیاز جهانی با خودتنظیمی، بهزیستی و موفقیت در

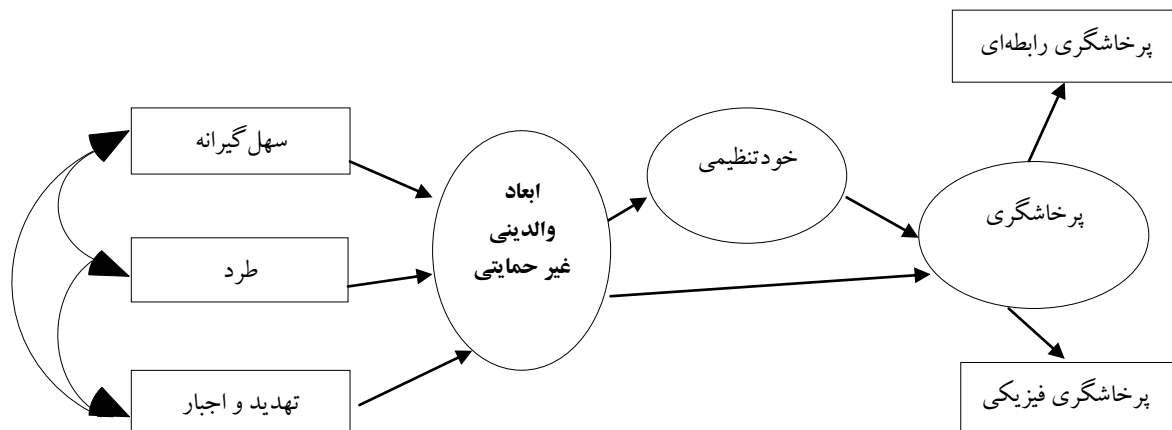
^۵Nelson and Crick^۶Yang^۷Emotional Self Regulation^۱Steinberg^۲Psychological Control^۳Coercive control^۴Low Synchrony

داد افرادی که دلبستگی تصویری پایینی نسبت به والدین شان داشتند، مسایل زیادی از قبیل بی‌اعتنایی، افسردگی، مشکلات رفتاری و تجارب منفی را در زندگی تجربه کردند (۲۴).

ادبیات نظری و یافته‌های تجربی در مورد رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیرحمایتی و پرخاشگری نشانگر این است که رابطه‌ی بین آن‌ها پیچیده‌تر از این به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام شده بیشتر به گروه کودکان پیش‌دبستانی محدود بوده است.

تاکنون تحقیقات اندکی روابط مستقیم و غیر مستقیم بین ابعاد والدینی غیرحمایتی، پرخاشگری و خودتنظیمی را در دوره‌ی نوجوانی بررسی کرده‌اند. هدف تحقیق حاضر ارزیابی یک مدل مفهومی ترکیبی است. در این مدل، خودتنظیمی فرزندان به عنوان یک متغیر مداخله‌ای در ارتباط بین ابعاد سه‌گانه‌ی فرزندپروری پدران و مادران و نوع پرخاشگری آنان در نظر گرفته شده است (تصویر ۱).

تصویر ۱: مدل نظری در مورد رابطه‌ی بین خودتنظیمی نوجوانان و ابعاد سه‌گانه‌ی والدینی غیرحمایتی با نوع پرخاشگری آنان



و با در نظر گرفتن خودتنظیمی بر نوع پرخاشگری کودکان تاثیر دارد؟

روش کار

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را تمام دانش‌آموزان دختر و پسر دبستانی شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ تشکیل می‌دادند.

و آن شامل توانایی ایجاد تغییرات هیجانی و رفتاری در طی موقعیت‌های هیجان‌طلب است که به منظور دست یافتن به اهداف و مدیریت برانگیختگی و پیش‌بینی سازگاری فعلی و بعدی فرد به کار می‌رود (۲۱).

مطالعات انجام گرفته در زمینه‌ی خانواده نشان می‌دهند حمایت خودمختاری مادری با خودتنظیمی کودکان، یادگیری و سازگاری، ارتباط مثبتی دارد (۲۲). بزرگ شدن در محیطی که مانع رفع نیاز به خودمختاری می‌شود ممکن است زمینه‌ی شیوه‌ی پرخاشگری فیزیکی را فراهم سازد زیرا با عاطفه‌ی منفی، خودتنظیمی ضعیف و عوامل مهم روان‌شناختی پرخاشگری کودکان ارتباط دارد (۲۳).

افزون بر این، تحقیقات انجام گرفته در زمینه‌ی رشد و تحول نشان می‌دهند که تفاوت‌های فردی خودتنظیمی ممکن است به تفاوت‌های شیوه‌های فرزندپروری والدین مربوط باشد. مطالعه‌ی طولی که کودکان را تا سنین ۱۵ سالگی پی‌گیری نمود، نشان

با این فرض که ابعاد سه‌گانه‌ی والدینی غیرحمایتی، خودتنظیمی افراد را پیش‌بینی می‌نماید، خودتنظیمی نیز با پرخاشگری رابطه‌ای و فیزیکی ارتباط دارد. با توجه به نکات ذکر شده، سئوالی که می‌توان مطرح نمود این است که آیا ابعاد سه‌گانه‌ی فرزندپروری غیرحمایتی والدین هر کدام به طور جداگانه و یا به شکل تعاملی با توجه فرهنگ جامعه‌ی ما

دارای پنج زیرمقیاس (پرخاشگری رابطه‌ای، پرخاشگری فیزیکی، رفتار جامعه‌پسند، پرخاشگری کلامی، تنهایی و اشتغال^۵) می‌باشد. گویه‌های ۱، ۲، ۴، ۱۰ و ۱۲ در یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای یعنی ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) پرخاشگری رابطه‌ای کودکان و نوجوانان (دستکاری روابط بین افراد، پخش شایعات بدخواهانه، طرد دیگران) را در موقعیت‌های مدرسه مورد سنجش قرار می‌دهد. کریک و گروتپتر پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای خرده‌مقیاس پرخاشگری رابطه‌ای ۰/۶۹ گزارش نمودند (۲۷). در پژوهش حاضر مقدار آلفا برابر ۰/۶۴ محاسبه گردید.

ج- پرسش‌نامه‌ی ابعاد والدینی-فرم نوجوان: برای سنجش ابعاد والدینی غیرحمایتی (طرد^۶، سهل‌گیرانه^۷ و تهدید و اجبار^۸) از زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه‌ی والدین به عنوان زمینه‌ی اجتماعی^۹ اسکینر، جانسون و اشنایدر^{۱۰} استفاده گردید. تعداد گویه‌های این زیرمقیاس ۲۴ است. هر گویه، نحوه‌ی برخورد والدین را در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای یعنی ۱ (کاملاً نادرست است) تا ۴ (کاملاً صحیح است) می‌سنجد که توسط نوجوان تکمیل می‌شود. اسکینر، جانسون و اشنایدر ضریب اعتبار و پایایی بالایی را برای این مقیاس گزارش نمودند (۲۸).

د- پرسش‌نامه‌ی خودتنظیمی^{۱۱} (ASRI): برای اندازه‌گیری خودتنظیمی نوجوان از پرسش‌نامه‌ی خودتنظیمی مویلان^{۱۲} استفاده گردید. گویه‌های این پرسش‌نامه میزان توانمندی نوجوان را در برانگیختن، بازبینی، حفظ و بازداری و تنظیم هیجانات، افکار، توجه و رفتار مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پاسخگویان درجه‌بندی می‌کنند هر گویه تا چه حد در فرد مصداق دارد که دامنه‌ی آن از ۱ (اصلاً در من مصداق ندارد) تا ۵ (واقعا در من صادق است) می‌باشد. تحلیل‌های انجام یافته در مورد پایایی نشان می‌دهند که ضریب آلفای آن ۰/۷۰ تا ۰/۹۸ می‌باشد و روایی محتوایی و سازه‌ی آن مورد تایید

با استفاده از فرمول تاباکنیک و فیدل^۱ (۲۵)، تعداد ۱۹۲ (۹۶ دختر و ۹۶ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از جامعه انتخاب شدند. بعد از کسب موافقت کتبی از مدیریت آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، از کل نواحی آموزش و پرورش شهر ارومیه، یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب گردید. سپس از میان مدارس منتخب ناحیه، دو دبیرستان دخترانه و دو دبیرستان پسرانه و از هر دبیرستان دو یا سه کلاس به صورت تصادفی در پایه‌های اول و دوم برگزیده شدند. قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها آموزش‌های لازم به پرسشگران در خصوص نحوه‌ی اجرا و جمع‌آوری و ارسال آن به محقق ارایه می‌گردد. سرانجام، پرسشگران با هماهنگی مشاوران مدرسه، پس از تشریح اهداف پژوهش از آزمودنی‌ها درخواست کردند که ابتدا فرم رضایت‌نامه را در برگه‌ی اول پرسش‌نامه به دقت مطالعه کنند، سپس در صورت علاقه‌مندی جهت شرکت در تحقیق، آن فرم را به انضمام پرسش‌نامه‌های پرخاشگری رابطه‌ای و فیزیکی، خودتنظیمی و سبک‌های والدینی ظرف یک هفته در خانه تکمیل نمایند و به پرسشگران تحویل دهند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از چهار نوع پرسش‌نامه استفاده شد:

الف- پرسش‌نامه‌ی پرخاشگری: این پرسش‌نامه از ۳۳ گویه‌ی خودگزارش‌دهی تشکیل یافته که پرخاشگری فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت را اندازه می‌گیرد. هر گویه، ویژگی فرد را در یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای یعنی ۱ (نبود رفتار) تا ۵ (با فراوانی بسیار بالا) می‌سنجد. اعتبار این آزمون توسط باس و پری^۲ محاسبه و آلفای ۰/۸۹ گزارش گردید.

همین طور پایایی را به کمک روش آزمون-آزمون مجدد با فاصله‌ی ۹ هفته برابر با $r=0.80$ و روایی همزمان آن را از طریق همبستگی نمرات پرسش‌نامه‌ی پرخاشگری مذکور با شاخص‌های جراتمندی $r=0.43$ و رقابت $r=0.46$ برآورد کردند (۲۶).

ب- مقیاس خودگزارش‌دهی رفتار اجتماعی کودکان^۳ (CSBS-S): این پرسش‌نامه توسط کریک و گروتپتر^۴ طراحی شده است و

^۵Inclusion^۶Rejection^۷Chaos^۸Coercion^۹Parents as Social Context Questionnaire- Adolescent Report^{۱۰}Skinner, Johnson and Snyder^{۱۱}The Adolescent Self Regulatory Inventory^{۱۲}Moilanen^۱Tabachnick and Fidell^۲Buss and Perry^۳Children's Social Behavior Scale-Self Report^۴Crick and Grottpeter

روش بیشترین احتمال برای برآورد الگو و از برخی شاخص‌های دیگر برای بررسی برازندگی الگو استفاده شد. رایج‌ترین شاخص‌های آماری برازش، مدل برازش مطلق^۳ (آماره‌ی مجذور خی)، شاخص‌های تصحیح ایجازی^۴ (ریشه‌ی دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)^۵ و شاخص‌های برازش مقایسه‌ای (شاخص بنتلر-بونت (NFI)^۶، شاخص برازش تطبیقی (CFI)^۷ و شاخص تاکر-لویس (TLI)^۸ ارزیابی شدند. اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنی‌دار نباشد بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگتر معمولاً معنی‌دار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازندگی الگو تلقی نمی‌گردد. مقدار نزدیک به یک برای شاخص‌های TLI، NFI، CFI و مقدار کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵ برای شاخص‌های RMSEA بر برازندگی مناسب و مطلوب دلالت دارند (۳۰).

روش چهار گامی توصیه شده توسط بارون و کنی^۹ برای آزمون میانجی‌گری در مطالعه‌ی حاضر مورد استفاده قرار گرفت. این چهار گام عبارتند از: ۱- پیش‌بین (ابعاد والدینی غیرحمایتی) با ملاک (پرخاشگری) همبستگی داشته باشد ۲- پیش‌بین با میانجی فرضی (خودتنظیمی) رابطه داشته باشد ۳- میانجی با ملاک همبستگی داشته باشد ۴- برای برقراری این که میانجی (خودتنظیمی) به طور کامل رابطه‌ی پیش‌بین با ملاک (ابعاد والدینی غیرحمایتی با پرخاشگری) را میانجی‌گری کند، اثر پیش‌بین ابعاد غیرحمایتی والدینی بر ملاک (پرخاشگری) با کنترل میانجی‌گری (خودتنظیمی) باید به طور معنی‌دار کمتر یا مساوی با صفر باشد (۳۱). این وضعیت توسط میانگین‌های یک سری از مدل‌های معادله‌ی ساختاری مورد آزمون قرار گرفت و هدف تعیین این بود که آیا خودتنظیمی رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیرحمایتی و پرخاشگری نوجوانان را میانجی‌گری می‌کند یا نه؟ به خاطر

است (۱۹). جهت کسب روایی محتوایی، همه‌ی مقیاس‌های مذکور نخست توسط پژوهشگران و دو نفر از اساتید مجرب به طور جداگانه به فارسی ترجمه و سپس مقیاس‌های ترجمه شده توسط دو متخصص زبان انگلیسی به طور جداگانه به انگلیسی برگردانده شد. برای اطمینان بیشتر در مورد صحت ترجمه و مطابقت دو نسخه‌ی انگلیسی و فارسی، طی یک جلسه‌ی مشترک چالش‌های موجود رفع گردید. به این ترتیب، پس از چند مرحله بررسی، بازبینی و اعمال تغییرات و اصلاحات روایی محتوایی، این مقیاس‌ها به کمک چند نفر از اعضای هیئت علمی تایید گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: از مدل‌یابی معادلات ساختاری (روش حداکثر درست‌نمایی در Amos) برای تحلیل داده‌های مبتنی بر چهارچوب تحقیق (شکل ۱) استفاده شد. اولین گام در SEM، آزمون مدل اندازه‌گیری جهت ارزیابی این است که متغیرهای مورد اندازه‌گیری تا چه حد به خوبی سازه‌های نهفته را بازنمایی می‌کنند. سپس این مدل اندازه‌گیری، برآورد اولیه از برازش ارایه می‌دهد که با آن مدل نظری (ساختاری) مقایسه می‌شود. برای ایجاد متغیرهای نهفته، ضروری است نشانگرهای چندگانه از هر کدام از متغیرها وجود داشته باشد. معمولاً از زیرمقیاس‌های سنج‌ها به عنوان نشانگرهای جداگانه معرف سازه‌ی نهفته استفاده می‌کنیم. مادربرخی موارد، زیرمقیاس‌های چندگانه‌ی معرف سازه‌ی خاص وجود ندارد. در آن صورت از بسته‌های آیت^۱ که توسط راسل، کاهن، اسپوت و آلتمر^۲ توصیف شده است استفاده می‌گردد (۲۹). در مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر، متغیرهای نهفته‌ی خودتنظیمی، سبک‌های غیرحمایتی والدینی و پرخاشگری به وسیله سه بسته پاسخ از خودتنظیمی و دو زیرمقیاس سبک‌های غیرحمایتی والدینی (سهل‌گیرانه، طرد، تهدید و اجبار) و پرخاشگری (بدگمانی، خشم، رنجش، رابطه‌ای، فیزیکی و کلامی) مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. بعد از پذیرفتن مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. روایی مدل ساختاری با توجه به دو ملاک شاخص برازش و ضرایب مسیر تعیین شد. در SEM از

³Absolute⁴Parsimony Correction Indices⁵Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)⁶Bentler-Bonett Index (NFI)⁷Comparative Fit Index (CFI)⁸Tucker- Lewis Index (TLI)⁹Baron, Kenny¹Item Parcels²Russell, Kahn, Spoth and Altmeier

اهداف تبیینی، هر یک از گام‌های بالا به عنوان یک مدل جداگانه مورد آزمون قرار گرفت.

مدل ۱- متغیر پیش‌بین (ابعاد والدینی غیر حمایتی) با ملاک (پرخاشگری) رابطه دارد.

مدل ۲- متغیر پیش‌بین (ابعاد والدینی غیر حمایتی) با میانجی (خود تنظیمی) رابطه دارد.

مدل ۳- متغیر میانجی (خود تنظیمی) با ملاک (پرخاشگری) رابطه دارد.

مدل ۴- پیش‌بین (ابعاد والدینی غیر حمایتی) با ملاک (پرخاشگری) با ثابت نگهداشتن میانجی (خود تنظیمی) رابطه دارد.

نتایج

پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آن‌ها به رایانه، از نرم‌افزارهای PASW 18 و Amos 16 استفاده شد. از آن جا که SEM به توزیع متغیرهای غیر نرمال می‌تواند حساس باشد، تحلیل‌های تک متغیره برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، همگنی واریانس، خطاهای ورودی و داده‌های پرت اجرا گردید. نتایج ارزیابی تحلیل تک متغیره نشان داد که به جز مولفه‌های ابعاد والدینی غیر حمایتی، سایر متغیرها به لحاظ کشیدگی و کجی، معنی‌دار نبودند. تبدیل ریشه‌ی دوم و لگاریتم بر پایه‌ی ۱۰، نرمال بودن این متغیرها را اصلاح کرد که در تمامی تحلیل‌های بعدی باقی ماندند.

برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی با هر یک از متغیرهای نمونه، از تجزیه‌ی واریانس (ANOVA) بهره گرفته شد. تجزیه‌ی واریانس نشان داد که جنسیت بر روی هر یک از متغیرهای به کار رفته در

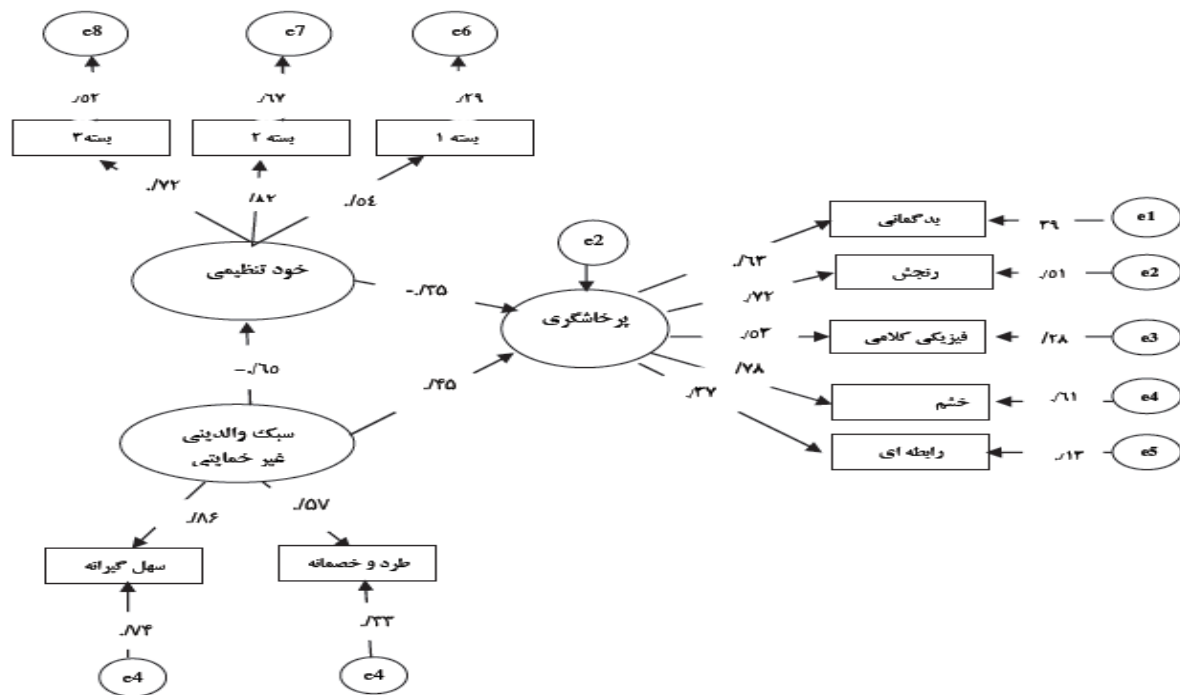
تحلیل‌ها اثر معنی‌داری ندارد ($P > 0.05$). نتایج تحلیل‌های مقدماتی داده‌های نمونه‌ی حاضر (میانگین، انحراف معیار و همسانی درونی متغیرها) در جدول (۱) آمده است. از روش چهار گامی پیشنهادی بارون و کنی برای آزمون میانجی‌گری در مطالعه‌ی حاضر بهره گرفته شد که توسط مدل‌های ارایه شده در جداول ۲ تا ۴ بازنمایی شده است. بر اساس شاخص‌های برازش چندگانه که در جدول ۲ ارایه شده است، فرض بر این است که هر مدل برازش مناسبی برای داده‌ها در نمونه‌ی حاضر داشته باشد. شاخص‌های برازش مدل مورد نظر (مدل ۴) برابر با مجذور خی معنی‌دار ($52/62$)، ($IFI=0/95$)، ($CFI=0/96$) و ($RMSEA=0/07$) است. این مقادیر بیانگر این است که مدل چهارم یک برازش کافی بر روی داده‌ها فراهم می‌نماید (تصویر ۲). جهت اطمینان از برازش خوب متغیرهای نهفته‌ی ابعاد والدینی غیر حمایتی با هم، یک تحلیل اندازه‌گیری مقدماتی اجرا گردید. تحلیل اندازه‌گیری نشان داد که به جز بعد اجبار و تهدید، دو بعد دیگر روی متغیر نهفته‌ی ابعاد والدینی غیر حمایتی (سهل‌گیرانه و طرد) به خوبی بار گرفتند ($P > 0.05$) و $2/30 = N(192)$ و 5 با توجه به این که دو متغیر روی یک عامل به خوبی بار گرفتند، نشانگر این است که ابعاد سهل‌گیرانه و طرد و خصمانه، علت اساسی مشابه دارند که با مفهوم‌سازی رایج همسو است. علاوه بر این، متغیرهای رنجش، بدگمانی، پرخاشگری فیزیکی کلامی، خشم و رابطه‌ای روی عامل نهفته‌ی کلی به نام پرخاشگری نیز مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی و همسانی درونی سنج‌های ابعاد والدینی غیر حمایتی، پرخاشگری و خود تنظیمی

همسانی درونی	انحراف معیار	میانگین	دامنه‌ی تغییرات		ابعاد والدینی غیر حمایتی
۰/۶۱	۳/۷۲	۹/۹۶	۲۰-۴	سهل‌گیرانه	پرخاشگری
	۳/۵۰	۸/۴۲	۱۹-۴	طرد	
	۲/۷۱	۱۱/۴۳	۱۸-۴	تهدید و اجبار	
۰/۸۱	۵/۵۳	۱۷/۲۶	۳۵-۷	بدگمانی	خود تنظیمی
	۵/۲۰	۱۶/۸۱	۳۰-۶	رنجش	
	۵/۵۱	۱۸/۰۹	۳۵-۷	فیزیکی و کلامی	
	۶/۱۳	۲۰/۰۳	۳۷-۸	خشم	
	۷/۴۴	۳۶/۹۷	۷۰-۱۷	رابطه‌ای	
۰/۷۵	۵/۳۵	۲۴/۰۷	۳۶-۱۲	بسته‌ی سوال ۱	خود تنظیمی
	۴/۸۶	۲۲/۹۶	۳۷-۸	بسته‌ی سوال ۲	
	۵/۶۲	۲۴/۴۶	۳۸-۸	بسته‌ی سوال ۳	

جدول ۲- شاخص‌های برازش برای هر یک از مدل‌ها در تحلیل میانجی‌گری

مدل‌ها	χ^2	Df	RMSEA	CFI	NFI	IFI	P
۱- ابعاد والدینی غیرحمایتی با پرخاشگری	۱۶/۳۵	۹	۰/۰۶	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۰۶
۲- ابعاد والدینی غیرحمایتی با خودتنظیمی	۰/۴۹	۲	۰/۰۰۱	۱	۰/۹۹	۱	۰/۷۸
۳- خودتنظیمی با پرخاشگری	۳۶/۵۵	۱۵	۰/۰۸	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۰۰۱
۴- اثرات ابعاد والدینی غیرحمایتی بر پرخاشگری با کنترل خودتنظیمی	۵۲/۶۲	۲۸	۰/۰۷	۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۰۰۳



شکل ۲: مدل نهایی اثر میانجیگری خود تنظیمی روی اثر ابعاد والدینی غیرحمایتی روی پرخاشگری

خوبی بار گرفتند $P < ۰/۰۵$ و $N = ۱۹۲$ و $\chi^2(۲) = ۴/۷۳$ به این معنی که این حالات روان‌شناختی ممکن است سنجی مشتری از تمایل کلی از رفتارهای پرخاشگرانه باشد. بارهای عاملی برای هر یک از متغیرهای مشاهده شده متناظر با متغیر نهفته در جدول ۳ نشان داده شده است. برای سنج‌های خودتنظیمی به جز بسته‌ی سؤال ۳، بسته‌های سؤال ۱ و ۲ بارگذاری‌های متوسط به بالایی داشتند. بارهای عاملی هر یک از مولفه‌های پرخاشگری متناظر با متغیر نهفته (پرخاشگری) به غیر از متغیر مشاهده شده رابطه‌ای متوسط به بالا بود (۰/۷۰) و یا بالاتر). هم‌چنین برای مولفه‌های ابعاد والدینی غیرحمایتی، بار عاملی متغیر مشاهده شده سهل‌گیرانه بالا است، در حالی بار عاملی مولفه‌ی طرد و خصمانه، متوسط به پایین بود. پس از گام‌های طرح‌ریزی شده توسط بارون و کنی برای آزمون

جهت اطمینان از برازش خوب متغیرهای نهفته‌ی ابعاد والدینی غیرحمایتی با هم، یک تحلیل اندازه‌گیری مقدماتی اجرا گردید. تحلیل اندازه‌گیری نشان داد که به جز بعد اجبار و تهدید، دو بعد دیگر روی متغیر نهفته‌ی ابعاد والدینی غیرحمایتی (سهل‌گیرانه و طرد) به خوبی بار گرفتند $P > ۰/۰۵$ و $N = ۱۹۲$ و $\chi^2(۵) = ۲/۳۰$. با توجه به این که دو متغیر روی یک عامل به خوبی بار گرفتند، نشانگر این است که ابعاد سهل‌گیرانه و طرد و خصمانه، علت اساسی مشابه دارند که با مفهوم‌سازی رایج همسو است. علاوه بر این، متغیرهای رنجش، بدگمانی، پرخاشگری فیزیکی/کلامی، خشم و رابطه‌ای روی عامل نهفته‌ی کلی به نام پرخاشگری نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که تمام گویه‌های مربوط به انواع زیرمقیاس‌های پرخاشگری روی متغیر نهفته (پرخاشگری) به

نیاز برای میانجی گری در گام سوم برآورده گردید. معادله‌ی رگرسیون در گام چهارم نیز برآوردی از مدل ۴ (۰/۴۷)، رابطه‌ی بین ابعاد غیرحمایتی والدینی و پرخاشگری ضمن کنترل خودتنظیمی را فراهم نمود. ضریب غیر استاندارد برای مدل ۴ به صفر کاهش پیدا نکرد، طوری که برای میانجی گری کامل لازم است. از این رو، میانجی گری کامل حاصل نشد. اما وقتی که مسیر ابعاد والدینی غیرحمایتی بر روی پرخاشگری در حضور خودتنظیمی به مقدار معنی داری کاهش یافته است، دلالت بر میانجی گری جزئی (نه کامل) دارد (۳۱). به سخن دیگر، خودتنظیمی رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیرحمایتی و پرخاشگری نوجوانان را در نمونه‌ی حاضر دانش آموزان دبیرستانی به صورت جزئی میانجی گری می کند.

میانجی گری، ابتدا فرض شد که ابعاد والدینی غیرحمایتی (متغیر پیشین) با پرخاشگری (متغیر ملاک) در مدل ۱ رابطه دارد. ضرایب غیر استاندارد (۰/۷۳) مربوط به مدل ۱ از لحاظ آماری معنی دار است ($P < ۰/۰۰۱$). در مرحله‌ی بعد رابطه‌ی ابعاد والدینی غیرحمایتی با خودتنظیمی ایجاد شد. ضرایب غیر استاندارد (۰/۷۵-) مربوط به مدل ۲ به لحاظ آماری معنی دار است ($P < ۰/۰۰۱$)، در نتیجه شرط دوم میانجی گری برآورد گردید. برای آزمون سومین گام مورد نیاز برای میانجی گری، خودتنظیمی به سوی پرخاشگری برگشت داده شد، ضمن این که متغیر ابعاد والدینی غیرحمایتی کنترل شد. به طور مشابه ضرایب غیر استاندارد (۰/۶۲-) مربوط به مدل ۳ از لحاظ آماری معنی دار است ($P < ۰/۰۰۱$)، به این طریق شرط مورد

جدول ۳- بارهای عاملی برای ابعاد والدینی غیرحمایتی، پرخاشگری و خودتنظیمی در مدل نهایی میانجی گری

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی
ابعاد والدینی غیرحمایتی				
ابعاد والدینی غیرحمایتی با سهل گیرانه	۱	۰/۸۶		
ابعاد والدینی غیرحمایتی با طرد و خصمانه	۰/۰۳	۰/۵۷	۰/۰۰۵	*۶/۰۲
پرخاشگری				
پرخاشگری با خشم	۱/۳۱	۰/۷۸	۰/۱۷	*۷/۶۳
پرخاشگری با پرخاشگری فیزیکی و کلامی	۰/۸۱	۰/۵۳	۰/۱۴	*۵/۹۳
پرخاشگری با رنجش	۱/۰۴	۰/۷۲	۰/۱۴	*۷/۳۱
پرخاشگری با رابطه‌ای	۰/۸۳	۰/۳۷	۰/۲۳	*۳/۶۱
پرخاشگری با بدگمانی	۱	۰/۶۳		
خودتنظیمی				
بسته‌ی سؤال ۱	۱/۲۴	۰/۸۲	۰/۱۶	*۷/۸۲
بسته‌ی سؤال ۲	۱	۰/۷۲		
بسته‌ی سؤال ۳	۰/۸۷۹	۰/۵۴	۰/۱۴	*۶/۱۲

جدول ۴- ضرایب مسیر ابعاد والدینی غیرحمایتی، پرخاشگری و خودتنظیمی برای هر مدل میانجی گری

مدل‌ها	غیر استاندارد	استاندارد f	خطای معیار R
۱- ابعاد والدینی غیرحمایتی با پرخاشگری	*۰/۷۳	*۰/۶۸	۰/۱۵
۲- ابعاد والدینی با خودتنظیمی	*۰/۷۵-	*۰/۶۷-	۰/۱۶
۳- خودتنظیمی با پرخاشگری	*۰/۶۲-	*۰/۶۷-	۰/۱۱
۴- اثرات ابعاد والدینی غیرحمایتی بر پرخاشگری با کنترل خودتنظیمی	*۰/۴۷	*۰/۴۵	۰/۱۴

بحث و نتیجه گیری

شد که نمرات سنجی خودتنظیمی رابطه‌ی بین نمرات ابعاد والدینی غیرحمایتی و نمرات پرخاشگری را میانجی گری نماید. برای آزمون این فرضیه از روش معادله‌یابی ساختاری به منظور محاسبه‌ی شاخص‌های برازش برای مدل فرضی و

مطالعه‌ی حاضر اثر میانجی گری خودتنظیمی را در رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیرحمایتی و پرخاشگری در بین دانش آموزان دبیرستانی آذربایجان غربی بررسی نمود. به ویژه فرض بر این

تعامل‌های خصمانه روی می‌آورند. ثمره‌ی این فرآیندهای خانوادگی، پرخاشگری است و باعث می‌شود تا کودکان، به دنیا از زاویه‌ای خشن نگاه کنند (۳۴،۳۵).

پاترسون معتقد است سه عامل فقدان قواعد^۳، نقص در بازبینی نظارت^۴، پاداش و تنبیه بی‌ثبات^۵ که پدر و مادر در چرخه‌ی سرکوب گرایانه در پیش می‌گیرند، منجر به انضباط خشن می‌شود. خلق کودک ممکن است مانع توانایی یادگیری و پذیرفتن قواعد باشد. در حمایت از نظریه‌ی سرکوب گرایانه می‌توان گفت که مادران پسران پرخاشگر به احتمال زیاد بیشتر از مادران دارای پسران غیرپرخاشگر، رفتارهای آزاردهنده را تقویت می‌نمایند. سایر محققان نیز چرخه‌ی سرکوب گرایانه بین والدین و کودک را تایید نموده‌اند (۳۵). افزون بر این، در تایید مدل دوم، مطالعات انجام گرفته حاکی از آن است که حمایت خودمختاری والدین با خودتنظیمی کودکان، یادگیری و سازگاری ارتباط مثبتی دارد (۳۶).

رشد یافتن در محیطی که امکان رفع نیاز به خودمختاری وجود ندارد ممکن است زمینه‌ی شیوه‌ی پرخاشگری فیزیکی را فراهم سازد، زیرا با عاطفه‌ی منفی، خودتنظیمی ضعیف (۲۳) و عوامل مهم روان‌شناختی پرخاشگری کودکان ارتباط دارد. هم‌چنین رفتارهای خودتنظیمی پایین با بیماری‌های جسمی (فشارخون بالا، دیابت، چاقی، مصرف مواد الکلی و ...) و تکانشگری ارتباط دارد. در واقع بسیاری از تحقیقاتی که در زمینه‌ی ارتباط فرآیندهای خودتنظیمی با رفتارهای ناسازگارانه انجام شده است به عدم کنترل رفتاری^۶ تاکید داشتند.

اشخاص خودمختار برای این که بتوانند به صورت موفقیت‌آمیز به اهداف‌شان دست یابند از خودتنظیمی و پس‌خوراند در مورد وضعیت‌شان در طرح‌ریزی، هدایت و حفظ تغییرات بهینه در رفتار استفاده می‌کنند. بر عکس، افراد دارای خودتنظیمی پایین در هنگام مواجه با موانع، اغلب تکانشگری، بیش‌فعالی و پرخاشگری از خود نشان می‌دهند. همین طور، عدم خودکنترلی مثبت نیز با بسیاری از مسایل جدی مانند رفتار

برآورد روابط علی بین متغیرها استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که مدل فرضی بر اساس شاخص‌های محاسبه شده، داده‌های نمونه‌ی حاضر را به خوبی برازش داد. با توجه به فرضیه‌ی پژوهش حاضر، یافته‌ها نشان می‌دهد نمرات سنجه‌ی خودتنظیمی تا اندازه‌ای توانسته است رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیرحمایتی و پرخاشگری را میانجی‌گری نماید.

نتایج حاصل از برازش مدل ۱ و ۲ نشانگر این است که رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیرحمایتی (سهل‌گیرانه و طرد-خصمانه) و پرخاشگری، مثبت اما رابطه‌ی آن با خودتنظیمی، منفی می‌باشد که با مطالعات پیشین همخوانی دارد. برای مثال، تحقیقات نشان داده‌اند بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و پرخاشگری فیزیکی کودکان نسبت به همسالان ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همین طور، کودکانی که نسبت به همسالان خود پرخاشگری رابطه‌ای نشان می‌دهند، خودشان در گذشته آماج پرخاشگری رابطه‌ای والدین بوده‌اند (۳۲). مطالعه‌ی دیگری که توسط کازاس^۱ و همکاران او انجام گرفت نشان داد که ابعاد والدینی سهل‌گیرانه‌ی مادران و مستبدانه‌ی پدران با پرخاشگری رابطه‌ای پسران، رابطه‌ی مثبتی دارد. این یافته بیانگر آن است که کودکان ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه را از والدین بیاموزند و این رفتارها را در ارتباط با همسالان خود به کار گیرند (۳۳).

چرخه‌ی سرکوب‌گرایانه‌ی پاترسون^۲، مدلی را برای تاثیر فرزندپروری بر پرخاشگری نشان می‌دهد. طبق این مدل، وقتی والدین با یک دستور مبهم و با یک لحن منفی مانع فعالیت کودک شده، او را تهدید نموده، عیب‌جویی کرده و به تنبیه متوسل می‌شوند، کودک آه و ناله سر می‌داد، هوار می‌کشید و امتناع می‌کرد تا این که پدر و مادر دریابند که رفتار کودک خیلی شدید است و در نهایت تسلیم او می‌شدند. این مسئله سبب می‌شود که هر دو در دام تقویت گرفتار شوند. کودک و والدین هر دو تقویت منفی دریافت می‌کنند. وقتی این چرخه بارها تکرار می‌شود، در سایر اعضای خانواده، اضطراب و تحریک‌پذیری ایجاد شده و طولی نمی‌کشد که آن‌ها نیز به

^۳Lake of Rules^۴Failure to Monitor^۵Inconsistent Reward and Punishment^۶Behavioral Under Control^۱Casas^۲Patterson's Coercion Cycle

ضداجتماعی، آسیب‌شناسی روانی و الکلیسم بزرگسالی ارتباط دارد (۳۵). مدل ۳ فرضی تحقیق نشان داد که رابطه‌ی بین خودتنظیمی و پرخاشگری نوجوان منفی است. یافته‌ی حاضر با نتایج بسیاری از تحقیقات همسو می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین توانایی‌های کودکان و نوجوانان، خودتنظیمی است که نقش مهمی در تنظیم هیجان به عهده دارد. سینگر و بشرس^۱ معتقدند که خودتنظیمی یک فراسازه است که به طور انعطاف‌پذیرانه موفقیت عملکرد شخص را راهنمایی، بازبینی و هدایت می‌کند. طبق نظریه‌ی بندورا، خودتنظیمی نتیجه‌ی فرآیند شخص، محیط و رفتار است و فرآیندهای خودتنظیمی تاثیر افکار خصمانه‌ی فعال شده بر پرخاشگری را کاهش می‌دهند (۳۷، ۳۸). هم‌چنین نتایج تحقیقات حکایت از آن دارد که برخلاف سطوح بالای خودتنظیمی، سطوح پایین خودتنظیمی نوع با سطوح بالای مشکلات رفتاری درونی و بیرونی کودکان و نوجوانان (۴۱-۳۹)، سوءمصرف مواد (۴۲، ۳۹) و خصومت، خشم و پرخاشگری (۴۰) ارتباط دارد. اگر چه پژوهش حاضر شواهدی فراهم نمود که خودتنظیمی رابطه‌ی بین ابعاد والدینی غیرحمایتی و پرخاشگری را

میانجی‌گری می‌نماید ولی محدودیت‌های چندی نیز وجود دارد. یکی از این محدودیت‌ها، استفاده از طرح همبستگی می‌باشد که به داده‌های جمع‌آوری شده در مقطعی از زمانی بستگی دارد.

بنابراین برای ارزیابی ارتباط بین خودتنظیمی و پرخاشگری در سنین مختلف، پیشنهاد می‌شود از تحقیقات طولی استفاده شود. دومین محدودیت، ویژگی خودگزارش‌دهی ابزارهای تحقیق بود که نتایج ادراک شرکت‌کنندگان را از سازه‌های مورد اندازه‌گیری نشان می‌داد. سازه‌های مورد اندازه‌گیری ممکن است تحت تاثیر ارزش‌های فرهنگی فردی و خانوادگی متفاوت قرار گیرند که تحقیقات بعدی باید این سازه‌ها را در زمینه‌های فرهنگی متفاوتی مورد مطالعه قرار دهند.

محدودیت بعدی به تعمیم‌پذیری یافته‌ها مربوط می‌شود. نمونه‌ی حاضر را دانش‌آموزان اول و دوم دبیرستان شهرستان ارومیه تشکیل می‌دادند، در نتیجه نتایج به دست آمده نمی‌تواند به سایر جمعیت‌های قومی و فرهنگی تعمیم یابد. پیشنهاد می‌شود محققان این روابط را در جمعیت‌های دیگر مورد بررسی قرار دهند.

¹Singer and Bashlrs

References

1. Skara S, Pokhrel P, Weiner MD, Ping S, Dent C, Sussman S. Physical and relational aggression as predictor of drug use: Gender differences among high school student. *Addict Behav* 2008; 33(12): 1507-15.
2. Johnson D, Johnson R. Conflict resolution and peer mediation programs in elementary and secondary schools: A review of the research. *Rev Educ Res* 1996; 66: 459-506.
3. Coie JD, Lochman JE, Terry R, Hyman C. Predicting early adolescent disorder from childhood aggression and peer rejection. *J Consult Clin Psychol* 1992; 60: 783-92.
4. Frey KS. Second step preventing aggression by promoting social competence. *J Emot Behav Disord* 2000; 102: 187-203.
5. Dryfoos JG. The prevalence of problem behaviors, implications for programs. In: Weissberg RP. (editor). *Healthy children 2010, Enhancing children's wellness*. Thousand Oaks: CA, Sage; 1997: 17-47.
6. Rubin KH, Hastings P, Chen X, Stewart S, McNichol K. Intrapersonal and maternal correlates of aggression, conflict, and externalizing problems in toddlers. *Child Dev* 1991; 69: 1614-29.

7. Little TD, Jones SM, Henrich CC, Hawley PH. Disentangling the “whys” from the “what’s” of aggressive behavior. *Int J Behav Dev* 2003; 27: 122-3.
8. Pellegrini AD, Roseth CJ. Relational aggression and relationships in preschoolers, a discussion of methods, gender differences, and function. *J Appl Dev Psychol* 2006; 27: 269-76.
9. Soenens B, Vansteenkiste M, Goossens L, Duriez BK, Christopher P. The intervening role of relational aggression between psychological controlled friendship quality. England: Blackwell; 2008: 1467-9507.
10. Sadegi A, Ahmadi Abedi MR. [The study of the effectiveness of group traings in anger management in a rational-behavioral-emotional style]. *Journal of psychology* 2002; 6: 52-62. (Persian)
11. DeWall CN, Baumeistera RF, Stillmana TF, Gailliot MT. Violence restrained: Effects of self regulation and its depletion on aggression. *J Exp Soc Psychol* 2007; 43(1): 62-76.
12. Newman K, Harrison L, Dashiff C, Davies S. Relationships between parenting styles and risk behaviors in adolescent health: An integrative literature review. *Rev Latino-am Enfermagem Janeiro Fevereiro* 2008; 16(1): 142-50.
13. Jousment M, Vitaro F, Barker ED, Cote S, Nagin D, Zoccolilo M, et al. Controlling parenting and physical aggression during elementary school. *Child Dev* 2008; 79(2): 411-25.
14. Barber BK, Harmon E. Violating the self: Parental psychological control of children and adolescents. In: Barber BK. (editor). *Intrusive parenting: How psychological control affects children and adolescents*. Washington, DC: American Psychological Association; 2002: 15-52.
15. Barber BK, Olsen JE. Socialization in context: Connection, regulation, and autonomy in the family, school, neighborhood, and with peers. *J Adolesc Res* 1997; 12: 287-315.
16. Nelson DA, Crick NR. Parental psychological control: Implications for childhood physical and relational aggression. In: Barber BK. (editor). *Intrusive parenting: How psychological control affects children and adolescents*. Washington, DC: APA; 2002: 168-89.
17. Nelson DA, Hart CH, Yang C, Olsen JA, Jin S. Aversive parenting in China: Associations with child physical and relational aggression. *Child Dev* 2006; 77: 554-72.
18. Yang C, Hart CH, Nelson DA, Porter CL, Olsen SF, Robinson CC, et al. Fathering in a Beijing, Chinese sample: Associations with boys’ and girls’ negative emotionality and aggression. In: Day RD, Lamb ME. (editors). *Conceptualizing and measuring father involvement*. Mahwah, NJ: Erlbaum; 2004: 185-215.
19. Moilanen KL. The adolescent self-regulatory inventory: The development and validation of a questionnaire of short-term and long-term self-regulation. *J Youth Adolesc* 2007; 36: 835-48.
20. Brown K, Atkins MS, Osborne ML, Millnamow M. A revised teacher rating scale for reactive and proactive aggression. *J Abnorm Child* 1996; 24(4): 473-80.
21. Dennis T. Emotional self-regulation in preschoolers: The interplay of child approach reactivity, parenting, and control capacities. *Dev Psychol* 2006; 42(1): 84-97.
22. Grolnick WS, Gurland ST, DeCoursey W, Jacob K. Antecedents and consequences of mothers’ autonomy support: An experimental investigation. *Dev Psychol* 2002; 38: 143-54.
23. Assor A, Roth G, Deci EL. The emotional costs of parents conditional regard: A self determinant theory analsis. *J Pers* 2004; 72: 47-88.
24. Raja SN, McGee R, Stanton WR. Perceived attachments to parents and peers and psychological well-being in adolescence. *J Youth Adolesc* 1992; 21: 471-85.
25. Tabachnick BG, Fidell LS. *Using multivariate statistics (3rd section)*. New York: Harper Collins; 1996.
26. Buss AH, Perry M. The aggression questionnaire. *J Pers Soc Psychol* 1992; 63: 452-9.
27. Crick NR, Grotpeter JK. Relational aggression, gender, and social psychological adjustment. *Child Dev* 1995; 66: 710-22.
28. Skinner E, Johnson S, Snyder T. Six dimensions of parenting: A motivational model. *Parent Sci Prac* 2005; 5(2): 175-235.
29. Russell DW, Kahn JH, Spoth R, Altmaier EM. Analyzing data from experimental studies: A latent variable structural equation modeling approach. *J Counsel Psychol* 1998; 45: 18-29.
30. Harrington D. *Confirmatory factor analysis*. Oxford: Oxford University; 2009: 50-78.
31. Baron RM, Kenny DA. The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *J Pers Soc Psychol* 1986; 51: 1173-82.

32. Grotmeter JK. Relational aggression, physical aggression, and family relationships. Dissertation Abstracts International, Section B. Sci Engin 1997; 58(10-B): 5671.
33. Casas FJ, Weigel SM, Crick NR, Ostrov JM. Early parenting and children's relational and physical aggression in the preschool and home contexts. *J Appl Dev Psychol* 2006; 27: 209-27.
34. Carpenter EM. A curriculum-based approach for social-cognitive skills training, an intervention targeting aggression in heat start preschoolers. Unpublished PhD Dissertation. Maine: University of Maine, College of psychology, 2002.
35. Patock-Peckham JA, Cheong J, Balhorn ME, Nagoshi CT. A social learning perspective: A model of parenting styles, self-regulation, perceived drinking control, and alcohol use and problems. *Alcoholism Clin Exp Res* 2001; 25: 9.
36. Grolnick WS, Gurland ST, DeCoursey W, Jacob K. Antecedents and consequences of mothers' autonomy support: An experimental investigation. *Dev Psychol* 2002; 38: 143-54.
37. Singer BD, Bashlrs AS. What are executive functions and self-regulation and what do they have to do with language-learning disorders? *Lang Speech Hear Serv Sch* 1999; 30: 265-73.
38. Meier B, Wilkowski BM, Robinson M. Bringing out the agreeableness in everyone: Using a cognitive self-regulation model to reduce aggression. *J Exp Soc Psychol* 2008; 44: 1383-7.
39. Brody GH, Ge X. Linking parenting processes and self-regulation to psychological functioning and alcohol use during adolescence. *J Fam Psychol* 2001; 15: 82-94.
40. Finkenauer C, Engels RC, Baumeister RF. Parenting behavior and adolescent behavioral and emotional problems: The role of self-control. *Int J Behav Dev* 2005; 29: 58-69.
41. Galambos NL, Barker ET, Almeida DM. Parents do matter. Trajectories of change in externalizing and internalizing problems in early adolescence. *Child Dev* 2003; 68: 506-29.
42. Tangney JP, Baumeister RF, Boone AL. High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *J Pers* 2004; 72: 271-324.